

چگونگی تشخیص بهترین کاندید برای پست ریاست جمهوری

قانونیت و تنفیذ حاکمیت قانون مبین درجات فرهنگی ملت‌هاست. خوشبختانه افغانستان، با وجود تلاشها جهت جابجایی فرهنگ زور و خشونت، یکبار دیگر در روشنائی احکام قانون دولتمردان حال و آینده را به آن واداشته است تا بخت خویش را در قضاوت مردم از آنچه انجام داده اند و یا میخواهند انجام دهند، آزمایش نمایند.

ملت افغانستان دیگر این افتخار را دارد تا به جهانیان اثبات نماید که این ملت، در حمایت و پشتیبانی قانون، صلاحیت و توانائی آنرا دارد تا با اجتناب از خشونت و توسل به زور، زعیم آینده خویش را انتخاب و در پرتو احکام قانون از آن اطاعت و در صورت انحراف موصوف از تعهدات از او سلب اعتماد نماید. این بزرگترین افتخاریست که پس از دهه دیموکراسی و پیروزی در برابر قشون سرخ، نصیب ملت ما گردیده است.

اکثراً بررسیده میشود که رای حق است یا مسئولیت؟

بعضی آنرا حق و بعضی آنرا مسئولیت میدانند.

اگر دقیقتر نگاه شود، رای در دو جهت متفاوت، دو مفهوم متفاوت از هم را اختیار مینماید.

رای در مسیر اجتماع به فرد، حق و در مسیر فرد به اجتماع، مسئولیت است.

زمانیکه اجتماع حق رای را، از مجرای قانونی به یکی از افراد خویش می پذیرد، همین رای منحیث حق برای برد محفوظ است و هیچ مسئولیتی را نیز متوجه صاحب خویش نمیسازد؛ اندک نیستند کسانی که اصلاً کارت رای دهی اخذ نمی نمایند. در حالیکه این حق برای آنها محفوظ است و یا هم اینکه پس از اخذ کارت رای دهی از آن استفاده نمی نمایند. این در حالیست که هیچ مرجعی صلاحیت آنرا ندارد تا فردی را مجبور به اخذ کارت رای دهی و یا استفاده از آن نماید؛ زیرا در این حالت رای صرفاً در مقام حق مطرح است نه مسئولیت. حتی بعضاً نماینده های مردم در مجالس پارلمانی و سایر نهاد های پر مسئولیت، با دادن رای ممتنع، رای را به مثابه حق استفاده مینمایند تا مسئولیت پس دیده میشود حق رای تا زمانیکه مورد استفاده قرار نگرفته است در مقام صرفاً حق باقی می ماند. ولی همینکه خواسته شد تا مورد استفاده قرار گیرد، باتوجه به اینکه اثرات ناشی از استفاده از حق رای تنها به صاحب آن محدود باقی نمی ماند، مسئولیت نیز به آن توأم میشود.

در حقیقت استفاده از حق رای پذیرش مسئولیت است و رفع آن؛ در حالیکه عدم استفاده از رای و یا استفاده ممتنع از آن گریز از مسئولیت است و دفع آن.

رای به مثابه حق در تناسب با رای به مثابه مسئولیت وضاحت دارد و صاحب آن نسبت به استفاده از آن آگاهی کامل دارد. این در حالیست که رای به مثابه مسئولیت نزد اکثر صاحبان حق رای در کشور عزیز ما افغانستان کمترین وضاحت را داشته است.

رای در مقام مسئولیت به چگونگی تشخیص ما از موضوع و یا شخص مورد نظر ارتباط میگیرد.

از اینکه چندی بعد هموطنان عزیز ما پای صندوق های رای شتافته و زعیم آینده خویش را انتخاب مینمایند، خواستم نکات مهم در مورد چگونگی تشخیص بهترین زعیم آینده را ذیلاً برجسته نموده، از دید خواننده امروز و رای دهنده فردا بگذرانم تا باشد هموطن عزیزم خود را در برابر صندوق رای بیش از هر وقت دیگر مستقل یافته، دور از هر نوع اکراه به سرنوشت ملتی که خود جزئی از آن است اندیشیده، تصمیم اتخاذ نماید.

در تشخیص بهترین زعیم به نکات آتی باید توجه داشت:

اول باید دانست و پذیرفت که هیچ رهبر و زعیمی نمیخواهد به آنانیکه به او اعتماد نموده و یا آنانیکه بر ایشان حاکم خواهد شد، خیانت نماید. از رهبران احزاب کمونیستی تا طالبان و آقای حکمتیار، هرکدام هدف مشخصی را که در رفاه و آسایش مردم خلاصه میشود، دنبال مینمایند. درست مانند دانشمندان عرصه سیاست و اقتصاد که هدف ایشان را طرح و پیشنهاد مکاتب سیاسی و اقتصادی به منظور جیتجوی راه حل مناسب برای رفع معضلات اقتصادی و اجتماعی تشکیل میدهد.

پس میتوان از خود پرسید مشکل اساسی ایکه متکی به آن ملت ها از رهبران، دانشمندان و کاندیدان پست ریاست

جمهوری دلسرد شده به آنها پشت میکنند در کجاست؟
جواب این سؤال را در عدم آهنکی برداشت رهبران، دانشمندان و کاندیدان از رفاه و آسایش با برداشت اکثریت از آن و رابطه موجود میان سیاست و احساسات نهفته است.

از اینکه رابطه میان احساسات و سیاست و اخلاق و سیاست را طی نوشته های جداگانه توضیح و در سایت های انترنتی موجود اند، از تکرار نا احسن آن ابا ورزیده، فقط با بیان اینکه احساسات هدف آفرینند و وسیله بسیار ناپسند برای رسیدن به هدف، بسنده مینمایم.

احساسات هدف می آفرینند و این احساس نزد همگان موجود است. زمانیکه از طفلی می پرسی که اگر رئیس جمهور شدی چه خواهی کرد؟ بدون درنگ برایت خواهد گفت که آرامش و ثروتمندی را که همان رفاه و آسایش است به مردم خویش به ارمغان خواهم آورد. به همینگونه اگر از افراد بیسواد نیز سؤال شود، پاسخ مشابه خواهد بود.

باتوجه به خواست و خواهش همگان، ملاحظه میشود که احساس، بدون آنکه پای سیاست در میان باشد، قبلاً اهداف را تعیین نموده است. مگر این احساس که به تعیین خواسته ها و اهداف می انجامد کافی نیست؛ بلکه شیوه هایی را برای دستیابی به اهداف باید جستجو نمود. همین جستجوی شیوه ها و طرح پلان هاست که موجبات تمایل و یا پشت کردن ملتها را به رهبران و دانشمندان و در یک کلام نخبگان ایشان فراهم می آورد؛ یعنی شیوه ها و سیاست هائیکه نخبگان ملتها برای رسیدن به اهداف تعقیب مینمایند، نه اهدافیکه ایشان برجسته نموده اند.

پس دومین نکته ای که در تشخیص زعیم آینده کشور باید به آن توجه داشت، شیوه ها، طرح ها و پلانهای کاندیدان جهت نیل به اهداف است.

نظامهای دیکتاتوری نه تنها در تشخیص علت مشکلات و جستجوی راه های برون رفت از آنها حتی در تعیین اهداف دچار اشتباه میشوند و به همین علت یگانه راه رسیدن به قدرت را در انقلابات خونین و کودتا های نظامی جستجو مینمایند. مارکسیسم هر چند از اروپای غربی نشأت کرد؛ مگر بنا به تاثیراتیکه انقلاب کبیر فرانسه بر فرهنگ سیاسی ملت های اروپای غربی گذاشته بود، هیچ حزب کمونیستی نتوانست در زادگاه تفکر مارکسیستی به پیروزی نایل آید. شعور سیاسی ای که در نتیجه ظهور دانشمندان و فلاسفه عرصه سیاست نصیب ملت های اروپائی گردیده بود به آنها صلاحیت و توانائی آنها اعطا نموده بود تا برنامه ها و پروژه های کاندیدان را توأم با امکانات عملی به دقت تحلیل و ارزیابی نمایند.

احزاب کمونیست در کشورهای جهان سوم با برنامه های حزب کمونیست اتحاد شوروی سابق وارد عمل شدند تا حدیکه باورهای دینی و فرهنگی کشور ها را که در تفاوت کامل از باور های ملت شوروی قرار داشت نادیده انگاشته، هزاران هزار انسان را صرفاً بخاطر باورهایشان به رگبار بستند و زنده زنده دفن نمودند.

اضمحلال اتحاد جماهیر شوروی سابق توأم بود با رشد تفکر افراطی ایدئولوژی مذهبی. هر چند در ابتدا تلاش صورت گرفت تا از جلوس جناح های فوق العاده افراطی نخصوص در افغانستان عزیز جلوگیری به عمل آید؛ مگر این تلاش تنها بر محور منافع قدرتی می چرخید که نیرو های نظامی اش تازه افغانستان را ترک گفته بودند. به همین علت قدرت دیگری از آنسوی ابحار به یاری جناح فوق العاده افراطی مذهبی شتافت تا زمینه را آماده نموده، مداخله نظامی ایرا که به منظور جستجوی منافعش در منطقه در نظر داشت توجیه نماید و بدینگونه جناح فوق العاده افراطی تحت نام طالبان، بدون هدف و برنامه مشخص و با عمل فوق العاده افراطی به قدرت رسید.

خاصه آنکه راه ها و طرق رسیدن به اهداف بعضاً در جهت کاملاً مخالف اهداف منتهی میشوند که منتهأ خوب آنها در تشکیل طبقه جدیدی بنام طبقه بیوروکرات حزبی در نتیجه عمل احزاب کمونیستی و ارائه تصویر فوق العاده خشن از اسلام در نتیجه عملکرد های طالبان مشاهده کرد؛ در حالیکه کمونیزم خود بر علیه طبقات مبارزه مینماید و طالبان نیز میخواستند تا تصویری از اسلام بنیادی ارائه نمایند؛ مگر شاید آنها هر کاری را نه با **بسم الله الرحمن الرحيم**؛ بلکه با **بسم الله القهار** آغاز مینمودند.

آغاز هر کاری با **بسم الله الرحمن الرحيم** حاوی پیامیست که مسلمانان کمتر به آن توجه نموده اند.

پس نباید صرفاً به وعده و وعید های کاندیدان و اهدافیکه ایشان برجسته مینمایند فریب خورد؛ بلکه باید به امکانات عملی پروژه ها و تعهدات سپرده شده از جانب هریک و پیامد های ضمنی آنها توجه نمود؛ به عنوان مثال اگر کاندیدی تعهد مینماید که قوتهای نظامی خارجی را از افغانستان اخراج مینماید، نخست باید دید که چنین امری ممکن است و یا خیر. در صورتیکه ممکن باشد، باید دید که فیصدی نفع حضور قوتهای بین المللی برای کشور بیشتر است یا خروج آنها. هر چند خروج نیرو های بین المللی به این مفهوم است که افغانستان توانائی آنها دارد تا خود امنیت خویش را تامین نماید و این تصویر مثبتی خواهد بود که از افغانستان ارائه میشود؛ مگر اخلال مراسم تجلیل از هشتم ثور ثابت نمود که افغانستان تا کنون قادر به تامین امنیت حتی در پایتخت کشور نیست.

این اخلالگری در حقیقت طرح آقای حنیف اتمر مبنی بر افغانیزه کردن امنیت کشور را به باد استهزا گرفت. از جانب

دیگر افغانستان، از لحاظ نظامی در وضعیت خاصی قرار دارد و کشور های همسایه را نیز میتوان به دو دسته تقسیم کرد:

- ۱ همسایه هائیکه منافع خویش را در صلح و ثبات در افغانستان جستجو مینمایند.
 - ۲ همسایه هائیکه منافع خویش را در عدم صلح و ثبات اوضاع در افغانستان جستجو مینمایند.
- آنچه از کشورهای همسایه که منافع آنها در صلح و ثبات سیاسی افغانستان نهفته است، از عدم ثبات و تداوم بی امنیتی در افغانستان متضرر شده و میشوند. ازبکستان، تاجکستان و بخصوص ترکمنستان و حتی پاکستان شامل آنچه از کشورهای همسایه میشوند که تداوم جنگ و عدم ثبات سیاسی در افغانستان به منافع آنها شدیداً صدمه وارد نموده است. جمهوری اسلامی پاکستان به این امر خوب واقف است و اگر عده ای از رهبران آن ضرورت صلح در افغانستان را درک نموده اند و یا تامین صلح در افغانستان را از طریق جستجو مینمایند که به وخامت بیشتر اوضاع در افغانستان می انجامد، باید بدانند که منافع آنها در افغانستان با ثبات نهفته است و این مسئولیت دیپوماسی افغانستان است تا رهبران آن کشور را به این امر متقاعد سازد. زیرا پاکستان به منظور توصل به بازار های جمهوری آسیای میانه به افغانستان نیازمند است و جمهوری های آسیای میانه نیز جهت حفظ استقلال اقتصادی خویش که متضمن استقلال سیاسی آنها از روسیه است، بیش از هر وقت دیگر به تامین صلح و ثبات در افغانستان نیازمندند.
- این در حالیست که جمهوری فدراتیف روسیه، بخاطر تمدید لوله گاز از طریق چین به اروپا و جمهوری اسلامی ایران به منظور احیای لوله گازی که ایران را از طریق پاکستان به جمهوری هند وصل مینماید از تداوم جنگ در افغانستان منفعهت میبرند. هرچند ایران، بر علاوه منافع اقتصادی، منافع نظامی خویش را نیز در ادامه و خامت اوضاع در افغانستان جستجو مینماید؛ زیرا، در صورت حمله احتمالی امریکا به ایران، این کشور به جبهه ای که از عقب به دشمن ضربه وارد نماید شدیداً ضرورت دارد. انتظاری که مشابه آنرا از عراق نیز دارد.
- به همگان هویداست که کشور های ذیدخل در مساله افغانستان عمل خویش را از پائین ترین سطح تا رده های بالائی حکومتی استخدام نموده اند. بناءً خروج قوت های بین المللی، باتوجه به عدم کارائی اردوی ملی، کشورهای همسایه را به آن وا خواهد داشت تا هرکدام، جهت تامین منافع خویش یکی از جناح های درگیر در افغانستان را مورد حمایت قرار دهند و بدینگونه افغانستان یکبار دیگر در آتش جنگ های خیابانی خواهد سوخت.
- بناءً **سومین** نکته ای که باید به آن توجه داشت اینست که افغانستان را منحصی جزء از جامعه بین المللی که از شکل گیری اوضاع بین المللی اثرپذیر و بر آن اثرگذار است، باید در نظر داشت.
- در نظر گرفتن یک کشور منحصی جزء از جامعه بین المللی مسایل متعددی بخصوص فرهنگی و دینی را تحت الشعاع قرار میدهد.
- جهان امروزه با پیشرفت های تکنولوژیک، بخصوص در ساحة ارتباطات به دهکده کوچکی مبدل گردیده است که کوچکترین تغییر در دورترین نقطه ای از جهان به اسرع وقت بر مجموع اوضاع بین المللی اثر میگذارد.
- هر ملت حق دارد تا منافع خویش را بر منافع سایر ملل ترجیح داده با آنها روابط برقرار نماید. افغانستان کشور اسلامیست و نهترین و شایسته ترین رهبر برای آن شخصی خواهد بود که ارزش های اسلامی را در محدوده جغرافیائی تحت حاکمیت خویش جداً رعایت و خود به آن عمل نماید؛ زیرا هیچ دعوتی برای دین و یا مکتبی مؤثر تر از عمل مطابق احکام آن دین و یا مکتب نیست.
- در عرصه بین المللی و بخصوص در صورتیکه طرف معامله کشور غیر اسلامی باشد، در آنصورت باید انسانی عمل نمود تا اسلامی؛ زیرا همانقدریکه ما به باور های خویش ارزش قایلیم به همان اندازه کشورهای غیر اسلامی نیز به باور های خویش ارزش قایلند.
- اینکه میگویم انسانی، نباید چنین استنباط شود که خدا نخواستہ اسلام دین غیر انسانیست؛ بلکه اسلام عزیز خود با آیه شریفه **لکم دینکم ولی الدین** با همین برخورد انسانی توصیه نموده است و از جانب دیگر مسلمانان انسانند؛ مگر همه انسانها مسلمان نیستند.
- ممنوعیت نشر سریال های هندی به بهانه نشر بیش از حد مناسک دینی هندوئیزم مبین تاثیر عمل مطابق احکام دین منحصی بهترین شیوه دعوت دینیست.
- یکی از خانم های افغان عبادت دخترک افغانی را به رسم تقلید از هندوئیزم برایم دلیل آورد؛ زیرا من ادعا داشتم که اگر دین کسی آنقدر ضعیف باشد که با دیدن چند صحنه ای از سریال به آن پشت نماید، از همین حالا برود کافر شود؛ اسلام و هیچ دینی به اعتقادی چنین ضعیف ضرورت ندارد؛ بلکه ضعف چنین اعتقاد بیشترین ضربه را به اسلام عزیز وارد میکند. سخنان این خانم اعتقاد را به عمل مطابق دین منحصی بهترین شیوه دعوت و تبلیغ دینی راسختر ساخت. زیرا آن طفلک شاید همه روزه میدیده است که کسانی مطابق به باور های خویش عمل نموده و آنها را جداً رعایت مینمایند.

خلاصه اینکه اعتقاد و عمل زعيم کشور به دين مبين اسلام امریست ضروری. اما در عرصه روابط بين المللی نباید از کشور انتظار داشت تا ديگران را مجبور به اسلامی نمودن صد در صد فضا سازد. آنچه آقای خاتمی رئيس جمهور پيشين جمهوری اسلامی ايران در ملاقاتش با آقای ژاک شیراک رئيس جمهور جمهوری فرانسه پيش شرط گذاشته بود.

چهارمین نکته اینکه به آن باید توجه داشت شخصیت شخص کاندید است.

در تثبیت شخصیت شخص کاندید باید به اهلیت و شایستگی او برای پست ریاست جمهوری توجه نمود. دانش، اخلاق پسندیده و تزکیه نفس عناصری اند که شخصیت شخص کاندید را برجسته میسازند.

آنچه در شکل گیری شخصیت کاندید نقش ایفا نموده است مورد بحث ما نیست. زیرا قانون اساسی افغانستان حد اقل سن کاندید ریاست جمهوری را چهل سال تعیین نموده است و آنکه چهل بهار عمرش را پشت سر گذاشته است، بدون شک شخصیتش کامل گردیده است.

در رابطه به دانش نباید تنها به درجه تحصیل کاندید بسنده کرد؛ زیرا تحصیل ذخیره معلومات است و معلومات جزء ناکافی دانش است که با عقل و فراست تکمیل میشود. بدین مفهوم که شخص باید توانایی بکارگیری معلومات حاصله را داشته باشد.

یکی از مشکلات عمده اینکه کار کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی را در تشخیص بهتر کادر ها ضعیف جلوه داده است از عدم تفریق میان معلومات و عقل ناشی میشود.

اخلاق پسندیده ارتباط میگیرد به عدم آلودگی به فساد، برخورد مناسب، تبعیت از عقل در موضوعات احیا برانگیز، چیره گی بر خشم و غیره؛ مگر تزکیه نفس، با آنکه جزء از اخلاق است، تمامی عناصر متشکله اخلاق پسندیده را تحت الشعاع قرار میدهد. زیرا به اخلاق پسندیده فقط تا زمان مشخص رای دهی میتوان باور داشت؛ چون، در عدم تزکیه نفس، قدرت افیون شخصیت است. آنچه در تعیین، انتخاب و انتصاب اشخاص در پست های بلند اداری و سیاسی به وضاحت تمام ملاحظه میگردد. کم نیستند کسانی که در زمان عدم دستیابی به قدرت تمام عناصر متشکله اخلاق پسندیده را میتوان در آنها جستجو کرد؛ ولی همینکه به قدرت رسیدند، به فساد آلوده میشوند و از آنچه ملت به آنها اعتماد نموده است استفاده سوء مینمایند. به همین علت میخوایم از این طریق، یکبار دیگر به ارتقای تدریجی کارمندان دولتی تاکید نمایم.

تزکیه نفس نزد شخص را فقط از سوابق کاری او میتوان تشخیص داد.

در کشور عزیز ما افغانستان که استفاده سوء از قدرت و فساد اداری بیداد میکند، در تشخیص تزکیه نفس باید به سه امر عمده ای عدم دست داشتن در قاچاق مواد مخدر، عدم سوء استفاده از قدرت و عدم آلوده گی به فساد اداری جداً بذل توجه نمود.

تا زمانی که تصامیم جدی و غیر مصلحت جویانه در رابطه به زرع، تولید و قاچاق مواد مخدر اتخاذ نگردیده و مبارزه بی امان علیه آن آغاز نگردیده است، تمام سرمایه ها بخاطر سود هنگفتی که از قاچاق مواد مخدر متصور است، در همین ساحه متمرکز خواهند شد. در نتیجه به ایجاد و تاسیس مؤسسات تولیدی توجهی مبذول نگردیده، نرخ بیکاری بالا میرود، سرمایه ها در کیسه های قاچاقچیان معدود ریخته و کشور دچار بحران شدید اقتصادی که از همین اکنون شاهد آنیم خواهد شد.

اگر جلو زرع، تولید و قاچاق مواد مخدر گرفته شود، نه تنها سرمایه ها در جهت تاسیس مؤسسات تولیدی بکار افتاده، مشکل بیکاری مرفوع و تعداد معتادین به مواد مخدر کاهش می یابد؛ بلکه وقوع حملات انتحاری نیز به صورت قابل

ملاحظه ای کاهش خواهد یافت؛ زیرا هیچ مسلمان با اراده ای نمی پسندد تا برادران مسمان خویش را به قتل برساند. تصمیم جدی به منظور محو کامل مواد مخدر به تزکیه نفس ضرورت دارد و آنانیکه نفس ایشان آلوده است، به نحوی از انحا با قاچاقچیان مواد مخدر سازش خواهند کرد.

موضوع دیگری که به تزکیه نفس ارتباط میگیرد، عدم آلوده گی شخص کاندید به فساد اداری در جریان وظایفی که به او اعتماد شده است، میباشد.

فساد اداری فقط در صورت عدم اجرای وظایف مطرح میگردد که شخص موظف قانوناً به اجرای آن توظیف گردیده است؛ اما شخص موظف، بخاطر اخذ رشوه از اجرای آن ظفره رفته، مراجعین را به پرداخت رشوه مجبور میسازد. بناءً در این مورد سوء استفاده از قدرت مطرح نیست.

هرگاه اتلاف حق و یا اجرای عملی در تباین با احکام قانون مطرح گردد در آنصورت از استفاده سوء از قدرت میتوان صحبت کرد.

بناءً باید به سابقه کاری شخص کاندید توجه شود که آیا او به اخذی آلوده بوده است یا خیر؟ در صورت آلوده گی موصوف، نه تنها خود به چنین عملی ادامه خواهد داد؛ بلکه به صورت غیر مستقیم ديگران را نیز تشویق خواهد

کرد.

در رابطه به استفاده سوء از قدرت باید به سه دهه اخیر توجه کرد. عمده ترین حقوقیکه طی سه دهه اخیر با استفاده سوء از قدرت به اتلاف رسیده است، حق زنده گی و حق ملکیت است.

دوره حاکمیت حزابی با گرایشات کمونیستی، بخصوص دوره حاکمیت خلقی ها و دوره طالبان دو دوره ای اند که سوء استفاده از قدرت در جهت اتلاف حق زنده گی افراد بخاطر باور ها و اندیشه ها بیداد میکرد. اشخاص معلوم الحالی از دو دوره فوق همین اکنون وجود دارند که یکبار دیگر خواب دستیابی به قدرت را از مجرای قانونی دیده اند. بدون شک آنان یکبار دیگر در جهت مخالف آزادی بیان و اندیشه عمل خواهند نمود.

دو دوره مجاهدین و شش سال حکومت آقای کرزی دوره های اند که طی آنها هیچ فردی بخاطر اندیشه و بیان از حق زنده گی محروم نگردیده است. مگر استفاده سوء از قدرت را در جهت اتلاف حق ملکیت و دارایی های عامه در این دو دوره به خوبی میتوان ملاحظه کرد.

نمونه خوبی که میتواند در تشخیص عدم استفاده سوء از قدرت توسط کاندیدان به ما یاری رساند، تصاحب زمین های دولتی و غصب زمین های افراد خصوصیت. مافیای زمین مشکل دیگرست که در کنار مافیای مواد مخدر بیداد میکند و هر روز در گوشه ای از کشور زمین های ملکیت دولت و یا اشخاص خصوصی به تصرف صاحبان قدرت در نیاید.

کاندیدیکه بیشرمانه به تصاحب نمره ای به ارزش بیش یا کم از یکصد هزار دالر امریکائی در پروژه شیرپور، باوجود انتقادات نهاد های داخلی و خارجی دست یازیده است، بدون شک در بدل میلیون دالری با سرنوشت یک ملت بازی خواهد کرد.

و بالاخره پنجمین و آخرین که باید در تشخیص بهترین کاندید به آن توجه کرد، استقلال شخص کاندید از مسایل قومی و زبانیست.

تاسیس کندک ها، غند ها و حتی فرقه های قومی در اثر اتخاذ سیاست های نا نخردانه حکام وقت موجب شد تا احزاب سیاسی یکی پی دیگری صبغه قومی اختیار نمایند و این وضع تا بدانجا کشانیده شد که عده ای خواب نظام فدرالی را ببینند.

هموطن عزیزم

صادقانه باید از عان داشت که هر نظام فدرالی به مرکزی از لحاظ سیاسی، اقتصادی و نظامی قوی نیازمند است. نظام فدرالی با توجه به وضعیت موجود افغانستان قطعاً به مفهوم تجزیه خواهد بود.

افغانها به عنوان ملت واحد و یکپارچه در شکل گیری نظم نوین بین المللی که هر روز به سوی جهانی شده حاکمیت نزدیک میشود، از اعتبار قابل ملاحظه ای برخوردار خواهند بود و از جانبی هیچ قوم واحدی نمیتواند به تنهایی بر افغانستان حکومت نماید.

بناء هر حزب و شخصیکه بیشتر از شصت در صد از هواخواهان آنرا قوم واحدی تشکیل داده است، حزب و شخص سیاسی ملی نه؛ بلکه اجتماع قومیتست.

بناء لازم است تا به استقلال شخص کاندید از زویند های قومی و لسانی توجه جدی مبذول گردد.

آنچه ذکر شد، نکاتی اند که باید در دوره نخست انتخابات باید به آنها توجه کرد. هرگاه انتخاب رئیس جمهور به دور دوم موکول گردد، در آنصورت باید به ائتلاف ها و اتحاد های دو کاندیدیکه به دور دوم انتخابات راه یافته اند دقت نمود. باید دید تاچه حد این اتحاد و ائتلاف میتواند پایدار باشد و تفاوت بینش ها و طرز دیدها تاچه اندازه ای بر تطبیق و تحقق پروژه ها و برنامه هائیکه کاندیدان بر اجرای آنها تعهد سپرده اند، تاثیر خواهد گذاشت.

نبايد این اتحاد و ائتلاف ها صرفاً به منظور دستیابی به قدرت و یا شراکت در آن صورت گرفته باشد. طوریکه تجربه نشان داده است، این چنین اتحاد و ائتلاف ها بسیار شکننده و باجعه آفرینند. تفاوت بیش از حد بینش ها و طرز دیدها موجبات عدم تحقق پروژه های تعهد شده را فراهم می آورد.

اینها نکاتی اند که به نظر صاحب این قلم در تشخیص بهترین کاندید باید به آنها توجه داشت تا باشد آزادی و آرامش نسبی ایکه نصیب این ملت گردیده است یکبار دیگر قربانی اغراض و امیال افراد فرصت طلب نگردد.

پایان

